

## مدارا با مخالفان در سیره نبوی

زهرا آتشی<sup>۱</sup>

### چکیده

مدارا از اصول اخلاقی اسلامی می باشد. اسلام مدارا با توده مردم، اعم از مخالف و موافق، را ضروری دانسته احکام و سیاست اسلامی را بدون تبعیض بین آنها اجرا می کند، مدارا به معنای نوعی برخورد همراه با سعه، گذشت و تحمل است.

اصول حاکم بر رفتار پیامبر در برخورد با بت پرستان کفار و مشرکان قریش چیزی جز مدارا نبود، مدارا از اصول اخلاقی اسلام بود. زیرا در ابتدای راه بود و می بایست با مدارا و به آرامی آنها را به سمت دین اسلام بکشاند، اما در برخورد با اهل کتاب و پس از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه هر دو نوع برخورد را داشت یعنی تا آنجا که ممکن بود با گفتگو و با عهد و پیمان سعی در زندگی مسالمت آمیز در کنار هم داشت، اما وقتی آنها پا را فراتر نهاده و خیانت می کردند پیامبر با آنها به شدت برخورد می کرد. اصل اساس حاکم بر رفتار آنها، بخصوص پیامبر، اسلام، اصل رحمت، محبت و شفقت بود، یعنی هدف اصلی آن حضرت جذب مردم به سوی خود و دین مبین اسلام بود. آنچه که بیشتر در رفتار نبوی بروز داشت مدارا با مخالفان بود یعنی تا آنجا که ممکن بود پیامبر مدارا می نمود و از خطاها چشم پوشی می کرد، اما وقتی مخالفان، بر اساس دعوت پیامبر، و اصل تغییرناپذیر دین را هدف قرار می دادند و به اقدامات عملی در این راه دست میزدند، دیگر مدارا و مسامحه جایی نداشت و پیامبر، چاره‌ای جز برخورد همراه با خشونت نداشت، و این نوع برخورد همواره در راستای حفظ دین و هدایت مردم صورت می گرفت. روش گردآوری مطالب به صورت کتابخانه ای و روش پردازش اطلاعات به صورت توصیفی می باشد.

**واژگان کلیدی:** مدارا، مخالفان، سیره نبوی، منافقان، اهل کتاب، مشرکان.

### مقدمه

این موضوع از مباحث تاریخی می باشد. مدارا از مهم ترین عناصر استوار سازی ارتباط میان فردی آرامش فردی و فضیلت های اخلاقی است و اسلام مدارا با توده مردم، را ضروری دانسته

---

۱- دانش آموخته سطح دو (کارشناسی) مدرسه زینبیه (سلام الله علیها)، زهک، شماره تلفن: ۰۹۰۵۱۶۰۸۱۹۸

است. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به عنوان سر سلسله این الگو، در مدیریت خود همواره براین اصل تاکید می ورزید. اقسام مخالفان عبارتند از: کسانی که منکر خدا بودند، اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان)، منافقان و کسانی که به ظاهر مسلمان بودند. پیامبر در برخورد با این سه قسم، چاره ای جز مدارا نداشته اند. ولی مخالفت ایشان درباره اصول تغییرناپذیر دین یا فتنه انگیزی در میان مسلمانان در مقابله با اساس دین اسلام بود. پیامبر شیوه مدارا را کنار گذاشته، به شدت با آنان برخورد می نمود. تاریخ اسلام هم از صدور ونیز در دوران ۲۵۰ ساله عصر امامت، گواه رحمت و ملایمت اوصیای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، حتی نسبت به دشمنان و بدخواهان آنان است. عصر نبوی عصر تاسیس نظام اسلامی و تکوینی اعتقادات اسلامی در میان مردم بود. مدارا از اصول اخلاقی اسلام می باشد و در این مورد کتاب های نوشته شده که عبارتند از: ۱- شیوه های پیامبر اعظم در دعوت به اسلام نوشته اکبر فهمی که در این کتاب درباره شیوه های اخلاقی و رفتاری پیامبر با مخالفان و شیوه های رسول اکرم در دفع از کفار بیان شده است. ۲- پیامبر و یهود حجاز نوشته مصطفی صادقی که در مورد برخورد یهودیان با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مطالبی آورده شده است. ۳- مهر رسول نوشته سعید کرمی به مطالبی در مورد کودکی تا نوجوانی پیامبر و آداب نماز و غیره در آن پرداخته شده است. اسلام مدارا با توده مردم، اعم از مخالف و موافق، را ضروری دانسته، احکام و سیاست اسلامی را بدون تبعیض بین آنان اجرا می کند. لذا به کارگیری این شیوه موفقیت بیشتری را به همراه خواهد داشت به خصوص برای حاکمان و مدیران جامعه از آنجا که دشمنان با بهره گیری از همه ابزارهای ارتباطی و راهکارهای گوناگون می کوشند و انمود کنند اسلام دین خشونت و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خشونت گرا می باشد. در حالی که این امر بر خلاف آموزه های دین و گفتار و سیره آن حضرت است بنابراین ضرورت دارد در مورد این موضوع تحقیق و پژوهش صورت گیرد. در این مقاله به این سوال که مدارا با مخالفان در سیره نبوی چگونه بود پاسخ داده می شود.

## مفهوم مدارا در لغت و اصطلاح

مدارا: از ریشه «دری - درایه»، در لغت، به معنای مجاهده و ملاطفت، برخورد مؤدبانه یا چابلوسی آمده است.<sup>۱</sup> منظور از «مدارا» در این نوشتار، نوعی برخورد همراه با سعه صدر، گذشت

---

۱ - آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی، فارسی، ص ۱۹۶.

و تحمل است؛ معادل آنچه امروز از آن به تساهل تعبیر می‌شود. بعضی به اشتباه، مدارا را با واژه «تولرانس Toleranc غربی یکی می‌دانند؛ زیرا تولرانس نوعی برخورد همراه با تساهل و کوتاه آمدن از حق خود است که مورد قبول اسلام نیست.<sup>۱</sup>

البته این تعریف به معنای بی‌تفاوتی نسبت به عقاید مخالف نیست. به تعبیر دیگر، «مدارا با اعتقادورزان است، نه با اعتقادات».<sup>۲</sup>

اسلام مدارا با توده مردم، اعم از مخالف و موافق، را ضروری دانسته، و احکام و سیاست اسلامی را بدون تبعیض بین آنان اجرا می‌کند. تاریخ اسلام هم از صدر و نیز در دوران ۲۵۰ ساله عصر امامت، گواه رحمت و ملایمت اوصیای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، حتی نسبت به دشمنان و بدخواهان آنان، است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به عنوان سرسلسله این الگو، در مدیریت خود، همواره بر این اصل تأکید می‌ورزد.<sup>۳</sup> همچنان که می‌فرماید: «أَعْلَلُ النَّاسَ أَشَدَّهُمْ مَدَارَةً لِلنَّاسِ، وَ أَذَلُّ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ»؛<sup>۴</sup> عاقل‌ترین مردم کسی است که بیشتر با دیگران مدارا کند، و خوارترین مردم کسی است که آنان را مورد تحقیر و توهین قرار دهد.

به کارگیری این شیوه موفقیت بیشتری به همراه خواهد داشت، بخصوص برای حاکمان و مدیران جامعه. بدین‌روی، پیامبر در راستای تحقق اهداف اصلی خود در امر هدایت جامعه، این شیوه را برگزید و اصل رحمت و محبت اساس دعوت ایشان بود و راز موفقیت او در تألیف قلب‌ها، محبت و ملایمت او که از صد لشکر قوی‌تر است.<sup>۵</sup> تا جایی که سیره‌نویسان در توصیف آن حضرت نگاشته‌اند: «پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دارای قلبی رقیق بود و نسبت به همه مسلمانان مهربان بود».<sup>۶</sup>

زراره از امام باقر (علیه السلام) نقل کرده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمود: «بی‌گمان، رفق بر چیزی قرار نگرفت، مگر آنکه زینتش بخشید».<sup>۷</sup>

---

۱ - عبدالمحمدی، تساهل و تسامح از دیدگاه قرآن و عترت، ص ۱۵.

۲ - سروش، مدارا و مدیریت، ص ۳۱۰. (عبدالکریم سروش از افرادی بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تهمت زدند و وحی را الهی ندانسته و بشری می‌داند.)

۳ - نوعی، مدارا با مخالفان در قرآن و سنت، ص ۹۸.

۴ - صدوق، من لایحمنر، الفقیه، ص ۳۹۵.

۵ - دلشاد، تهرانی، سیره نبوی، ج ۳، ص ۶۹.

۶ - مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۹۴.

۷ - کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۹.

با تکیه بر روایات متعدد از پیامبر، می‌توان گفت: از جمله اصول مهم دین اسلام، اصل سمحه و سهله بودن دین اسلام و مخالفت با هرگونه سخت‌گیری‌های بی‌مورد است؛ همچنان‌که از پیامبر نقل شده که فرمود: «من با دین یکتاگرایی با گذشت - یا آسان - مبعوث شده‌ام و هرکس با سنت من مخالفت ورزد، از من نیست».<sup>۱</sup>

گرچه در محدوده سهله بودن دین، بحث‌های فراوانی مطرح است، که آیا این به معنای گذشتن از اصول دین و کوتاه آمدن در مقابل اقدامات مخالفان است یا نه؟ در پاسخ می‌توان گفت: هیچ‌گاه منظور از مدارا نسبت به مخالفان زیر پا گذاشتن اصول دین و تعالیم ضروری آن نیست، بلکه آسان‌گیری اولاً، در اصل پذیرش دین است که هیچ‌گونه اجبار و اکراهی در آن نیست؛ ثانیاً، در عمل به احکام دین، تا جایی که اصول آن حفظ شود.<sup>۲</sup> مبانی مدارا در سیره نبوی عبارتند از: اساس دعوت به حق، اصل آزادی عقیده در اسلام، اصل کرامت انسانی.<sup>۳</sup>

### مفهوم مخالف در لغت و اصطلاح

مخالف: در لغت از ریشه «خلف»، اسم فاعل باب مفاعله، به معنای ضد و ناسازگاری بودن و مغایر بودن با چیزی است و در جامعه، به گروهی اطلاق می‌شود که با قدرت حاکم و مردم جامعه، هم اعتقاد نیستند و البته اقدامی برخلاف ندارند، مخالفت آن‌ها در مرحله اعتقاد است و به مرحله عمل در اجتماع نمی‌رسد. به عبارت دیگر، در زندگی اجتماعی موافقت داشته و همه در یک جامعه با قوانین حاکم بر آن، زندگی مسالمت‌آمیز دارند، اما در نوع تفکر، اندیشه و اعتقادات با هم دارای اختلاف هستند.<sup>۴</sup>

در یک تقسیم‌بندی کلی، می‌توان مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را به سه دسته تقسیم نمود.

۱- کسانی که منکر خداوند بودند؛ همانند بت‌پرستان، کفار و مشرکان که با تکذیب و استهزا مخالفت می‌نمودند.

۱ - بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۲۰۹.

۲ - elibrary، سایت پژوهه برگرفته از مقاله در حق و مدارا در سیره نبوی، تاریخ باتزیابی ۱۳۹۵/۶/۲۳

۳ - همان، ص ۱۸۱.

۴ - سروش، همان، ص ۱۷۹-۴۶۳.

۲- اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) که با محاجّه و خیانت مخالفت می کردند و قرآن کریم این عده را در کنار مشرکان، دشمن ترین دشمنان نسبت به مسلمانان معرفی نموده است:

۳- منافقان به ظاهر مسلمان که با فتنه انگیزی و سرپیچی از پیامبر، جبهه داخلی علیه ایشان تشکیل داده بودند. برخورد با هر دسته از مخالفان، بسته به نوع و میزان مخالفت آنان متفاوت بود.<sup>۱</sup>

### ۱- مدارا با مشرکان در سیره نبوی

پیامبر عظیم الشان اسلام با ادب و حیات زیبای خود همگان را شیفته وجود خود کرده بودند و همه حتی مشرکان از این اخلاق والای او لذت می بردند، روزی امیرالمومنین علی (علیه السلام) با یکی از اهل ذمه هم سفر شد. آن مرد ذمی از حضرت پرسیدند که عزم کجا داری؟ فرمود به کوفه می روم. پس چون راه آن مرد از کوفه جدا شد، حضرت راه کوفه را وا گذاشت و چند قدمی با او همراه شد. آن فرد گفت: مگر نگفتی که قصد کوفه دارم، پس چرا با من می - آیی؟ حضرت فرمود: می دانستم ولی این کار به خاطر احترام به همراه و همسفر و خوش رفتاری با اوست که باید مقداری او را مشایعت کرد و این فرموده پیامبر ماست، گفت: راست می گویی این گفته پیغمبر شماس؟ فرمود آری، مرد ذمی گفت: پس بخاطر این اعمال شایسته اخلاق نیکوست که این قدر مردم او را دوست دارند و او را اطاعت می کنند. و در این لحظه به اسلام روی آورد و مسلمان شد.<sup>۲</sup>

خداوند متعال می فرماید: «وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يَلْبَثُونَ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا؟» و بسا نزدیک بود کافران (با نیرنگ یا غلبه) تو را از سرزمین بلغزانند تا از آن بیرون کنند و در آن هنگام جزء مدت کمی پس از تو پایدار نمی ماندند». و بخاطر این ظلم گرفتار قهر الهی می شدند.

بهانه جویان خواسته اند آیات فوق را دستاویزی برای نفی معصوم بودن پیامبر بگیرند و بگویند طبق آیات فوق و شان نزولهایی که در رابطه با آن دیده می شوند، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در برابر وسوسه های بت پرستان از خود انعطاف نشان داد، و بلا فاصله از سوی خداوند مورد مؤاخذه قرار گرفت. ولی خود آیات فوق آن قدر گویا است که ما را از اقامه شواهد دیگر بر

۱ - همان، ص ۲۳۱.

۲ - کرمی، رسول مهر، ص ۶۶.

۳ - اسراء، آیه ۷۶.

یکی از گروه‌هایی که همواره با دولت نبوی از همان ابتدای شکل‌گیری به دشمن و مخالفت برخاست منافقان بودند که افرادی بیمار دل و فریبکار بودند و تظاهر به اسلام می‌کردند، شهادت به رسالت رسول می‌دادند، ولی دروغ می‌گفتند و هیچ‌گاه ایمان قلبی به اسلام نداشتند و در باطن با اسلام و قرآن دشمنی می‌کردند و از پشت، خنجر بر پیکر اسلام می‌زدند.<sup>۱</sup>

آن‌ها با افراد بی‌دین، رفت و آمد و خلوت می‌کردند؛ نسبت به مومنان عیب‌جو و نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بی‌وفا بودند.<sup>۲</sup>

### **الف- رفتار عملی پیامبر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با منافقان**

بررسی و شناخت خلق و خوی فردی و جمعی پیامبر از جمله عمده‌ترین عوامل جذب و یا طرد افراد دیگر نسبت به خود است. از این رو ضروری است که پیامبر از چنان ویژگی‌های بلند، برخوردار باشد که بتواند موجبات افراد را فراهم آورد. آیات قرآن و منابع تاریخی رفتار عملی رسول اکرم را با منافقان به دو بخش تقسیم کرده‌اند: مدارا و قاطعیت، مرحله‌ای که رفتار پیامبر اسلام بر محور مدارا و ملایمت بود، مرحله‌ای بود که دشمنی‌های منافقان حالت فردی و تبلیغی و فرهنگی آن‌ها، مثل بقیه مسلمانان سهم آنان را از بیت المال می‌داد. امنیت آن‌ها را حفظ می‌کرد و حقوق شهروندی آن‌ها را رعایت می‌کرد و با حسن خلق و سعه صدر و بردباری، بدی‌های آنان را پاسخ می‌داد، نمونه این رفتار، برخورد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با عبدالله بن اُبن است. این شخص از رهبران خط نفاق بود و دشمنی عمیقی با اسلام و مسلمین داشت و تا سال آخر زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در محدوده علیه نظام دینی شروع می‌کردند، در این مرحله مدارا یک نوع غفلت و ساده‌لوحی محسوب می‌شود. بر همین اساس رسول گرامی اسلام با آنان با قاطعیت برخورد می‌کرد و توطئه آن‌ها را خنثی می‌نمود.<sup>۳</sup>

### **ب- تکبر و نافرمانی منافقان و عدم آمزش آنان**

بعد از جنگ «بنی المصطلق» در سال ششم هجری، هنگامی که مسلمانان در حال بازگشت به مدینه بودند. یکی از مهاجران با یک نفر از انصار بر سر گرفتن آب از چاه اختلاف پیدا کردند و برخی از مهاجران از مرد مهاجر و برخی از انصار از مرد انصاری حمایت کردند و مشاجره شدید شد. در این میان عبدالله بن اُبی که از سرکرده‌های منافقان بود فرصت را غنیمت شمرد و گفت:

۱ - رضا صدر، راه علی (علیه السلام)، ص ۴۶.

۲ - قرائتی، تفسیر قرآن کریم آیات برگزیده، ص ۵۹.

۳-تویسرکانی، الگو برتر، ص ۲۲۲.

ما این مهاجران را پناه و غذا دادیم ولی حالا بلای جان ما شده اند و به خدا سوگند یاد کرد که اگر به مدینه باز گردیم، عزیزان، ذلیلان را از شهر مدینه اخراج می کنند. «زید بن ارقم» جریان را به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گزارش داد. ولی عبدالله بن ابی سخنان خود را منکر شد و زید را دروغ گو جلوه داد.<sup>۱</sup>

سپس سپاهیان اسلام به همراه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به سرعت به طرف مدینه رفتند. ولی پسر عبدالله که فردی مومن بود از ورود پدرش به شهر جلوگیری کرد تا این که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پیام داد که به او اجازه بده وارد شهر شود. عبدالله با ذلت وارد مدینه شد آن گاه آیات پنج و شش سوره منافقون بدین مناسبت فرود آمد و گزارش زید بن ارقم را تایید و منافقان را به شدت سرزنش کرد. در این هنگام برخی افراد به عبدالله بن ابی مراجعه کردند و گفتند: آیات شدیدی علیه تو نازل شده است، نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برو تا برای تو استغفار کند. ولی عبدالله با تکبر سر تکان داد و روی بر تاخت و نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نرفت و پس از چند روز از دنیا رفت.<sup>۲</sup>

گروهی از منافقان تصمیم گرفتند، شتر پیامبر را در بازگشت از جنگ تبوک در گردانه ای رم دهند تا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کشته شود، رسول خدا از تصمیم آنان از طریق وحی با خبر شد.

در حالی که عمار و حذیفه از جلو و پشت سر حضرت مراقب بودند و به گردنه رسیدند و منافقان حمله کردند پیامبر آنان را شناخت و نامشان را به حذیفه گفت، او پرسید: چرا فرمان قتلشان را نمی دهد؟

فرمود: نمی خواهم بگویند که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) چون به قدرت رسیده مسلمانان را کُشت.<sup>۳</sup>

یکی از بزرگان قبیله ای بنی سلمه که از منافقان بود از رسول خدا اجازه خواست تا به جنگ تبوک نرود و بهانه اش این بود که اگر چشمم به زنان رومی بیفتد. فریفته شده به گناه می افتم. حضرت اجازه داد و او را به خاطر عدم شرکت در جبهه، گناهکار و در فتنه افتاده دانست. پیامبر

۱- اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ج ۴، ص ۵۲۶.

۲- همان، ص ۵۲۷.

۳- قرائتی، تفسیر نور، ۴۰۴.

(صلی الله علیه و آله و سلم) او را از ریاست قبیله بر کنار و بُشر بن براء را که سخاوتمند و خوش اخلاق بود به جای او نصب کرد.<sup>۱</sup>

## نتیجه گیری

مدارا از اصول اساسی زندگی اجتماعی است، که در آموزه های اسلامی توجه ویژه ای به آن شده است در بررسی سیره عملی پیامبر و برخورد آن حضرت با مخالفان باید گفت با توجه به وظیفه اصلی پیامبران مبنی بر هدایت جامعه به سوی سعادت و کمال و ابلاغ پیام الهی، اصل اساس حاکم بر رفتار آنها، به خصوص پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، اصل رحمت محبت و شفقت بود، یعنی هدف اصلی آن حضرت جذب مردم به سوی خود و دین مبین اسلام بود. ایشان با ادب بالای خود مشرکان را شیفته اخلاق بالای خود کرده بودند. وقتی هدف چنین باشد، رفتار نیز در راستای آن خواهد بود. آنچه بیشتر در رفتار نبوی بروز داشت و جلوه می نمود، مدارا با مخالفان بود. یعنی تا آنجا که ممکن بود پیامبر مدارا می نمود، از خطاها چشم پوشی می کرد. اما وقتی مخالفان، اساس دعوت پیامبر و اصول تغییرناپذیر دین را هدف قرار می دادند و به اقدامات عملی در این راه دست میزدند. دیگر مدارا و مسامحه جایی نداشت و پیامبر چاره ای جز برخورد همراه با خشونت نداشت و این نوع برخورد همواره در راستای حفظ دین و هدایت مردم صورت می گرفت.

## فهرست منابع

- ۱- اصفهانی، رضا، تفسیر قرآن مهر، چاپ اول، قم: انتشارات نسیم تحول، ۱۳۹۱ هـ. ش.
- ۲- آذرتاش، آذر نوش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران: انتشارات نشر نی، ۱۳۷۹ هـ. ش.
- ۳- اصفهانی، شریف، آیین رحمت، سیره سیاسی و اجتماعی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چاپ اول، قم: انتشارات امام عصر، ۱۳۸۸ هـ. ش.
- ۴- بروجرودی، ابراهیم، تفسیر جامع، چاپ اول، قم: انتشارات جلیل، ۱۳۸۰ هـ. ش.
- ۵- بغدادی، خطیب، تاریخ بغدادی، مصر: مکتبه الخانجی، (بی تا).

---

۱- همان، ۴۳۳.

- ۶- تویسرکانی ، محمدرضا، **الگو برتر**، چاپ دوم ، تهران : انتشارات آرام دل ، ۱۳۸۴هـ.ش.
- ۷- جوادی آملی ، عبدالله ، **تفسیر تسنیم** ، چاپ دوم ، قم : انتشارات مرکز نشر اسراء ، ۱۳۸۹هـ.ش.
- ۸- سبحانی ، جعفر، **تاریخ اسلام زندگانی پیامبر خاتم**، چاپ هشتم ، قم : انتشارات امام عصر ، ۱۳۸۴هـ.ش.
- ۹- دلشاد تهرانی ، مصطفی ، **سیره نبوی** ، تهران : انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی ، ۱۳۷۳هـ.ش.
- ۱۰- سروش ، عبدالکریم ، **مدارا و مدیریت** ، تهران ، انتشارات صراط ، ۱۳۷۶هـ.ش.
- ۱۱- صادقی ، مصطفی ، **پیامبر و یهود حجاز** ، چاپ سوم ، قم : موسسه بوستان کتاب ، ۱۳۸۶هـ.ش.
- ۱۲- صابری ، حسین ، **خاتم پیامبران** ، چاپ چهارم، مشهد : بنیاد پژوهش های اسلامی ، ۱۳۹۳هـ.ش.
- ۱۳- صدوق، محمد، من لایحضرالفقیه، علی اکبر غفاری، ج ۴، قم: انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
- ۱۴- طباطبایی نسب، محمدرضا، چاپ دوم، قم: نورالائمه(ع)، ۱۳۹۳.
- ۱۵- نوعی ، غلامرضا ، **مدارا با مخالفان در قرآن و سنت** ، رشت : انتشارات مبین ، ۱۳۸۰هـ.ش.
- ۱۶- عبدالحمیدی ، حسین ، **تساهل و تسامح از دیدگاه قرآن و عترت** ، قم : انتشارات ظفر ، ۱۳۸۱هـ.ش.
- ۱۷- فهیمی ، اکبر ، **شیوه های پیامبر اعظم در دعوت به اسلام** ، چاپ اول ، قم : انتشارات هاجر ، ۱۳۸۶هـ.ش.
- ۱۸- قرائتی، محسن ، **سیره پیامبر اکرم با نگاهی به قرآن** ، چاپ پنجم ، تهران: انتشارات مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن ، ۱۳۸۵هـ.ش.
- ۱۹- \_\_\_\_\_ ، **تفسیر نور** ، چاپ پنجم ، تهران : انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی ، ۱۳۸۵هـ.ش.

۲۰- کلینی ، محمد، **اصول کافی** ، چاپ چهارم ، تهران : انتشارات الاسلامیه ، ۱۳۶۴هـ.ش.

۲۱- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، چاپ چهارم، قم: اسلامیه، ۱۳۸۶.

۲۲- Elibarg سایت پژوهه، برگرفته از مقاله در حق و مدارا در سیره نبوی، دوشنبه، ۱۳۹۵/۶/۲۳ ۱۸:۳۰.